

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

وضعیت شکننده کنونی و دورنمای تعامل امریکایی‌ها شکل‌گیری نبردهای نیابتی قدرت‌ها در اشکال تازه عبور از حالت جنگ به مدیریت سیاسی کشور

نبود و فقدان یک سیستم قوی سیاسی
نهادینه شدن کژپنداری نسبت بآینده
تبدیل مردم به کارگران جنگی
منافع مرکزگرای

شاخصهای وضعیت شکننده از منظر بسیاری‌ها شامل شاخص‌های اجتماعی، شاخص‌های اقتصادی و شاخص‌های سیاسی میگردد. باید یادآور شد که افغانستان در سال ۲۰۰۸، هفتمین دولت شکننده در میان ده دولت شکننده جهان معرفی شده بود. همه می‌دانند و از این واقعیت آگاه میباشند که حتا دولتمردان و حامیان بین‌المللی دولت نیز میپذیرند که اوضاع کنونی کشور ما در همه حوزه‌ها، بسیار بدتر از آن چیزی است که در سال قبل وجود داشت. با این حساب، آیا نتیجه این محاسبه این است که اکنون نیز دولت افغانستان یکی از دولت‌های شکننده جهان محسوب می‌گردد؟ افزایش فشار جمعیتی، توسعه نامتوازن و ناعادلانه، وجود تلقی مجرمانه از دولت و کم‌شدن مشروعیت آن، از جمله مسایل قابل ذکر در مورد پنداشته می‌شود.

هدف از نیشته حاضر، تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک موجود، بررسی نقطه نظرهای دیپلمات‌ها و سیاستمداران کشور و چگونگی ستراتیژی‌های بازیگران اصلی در افغانستان عزیز می‌باشد.

در شرایط و اوضاع و احوال کنونی در کشور عزیز ما افغانستان، دسته‌بندی‌های مختلف و متنوع تروریستی بیش از پیش و بویژه پس از تحمل شکست در سوریه، فعال گردیده‌اند. نباید فراموش خاطر ما گردد که چه کشورهای منطقه و چه بازیگران خارجی بر ضرورت و اهمیت مبارزه علیه گروه‌بندی‌های یادشده تأکید بعمل می‌آورند. اما همه‌ی آنها در قبال قضایا و بویژه در مورد حل بحران کشور ما از رویکرد یگانه‌ای برخوردار نبوده و در چگونگی مقابله با خطرات موجود نیز، نظر واحدی اصلن وجود ندارد.

بخاطر باید داشت که توسعه عرصه‌های تعامل دول جهان و هماهنگی روش‌های سازمان‌های بین‌المللی بمنظور تأمین ثبات در کشور ما عملن موجود می‌باشد. چگونگی روش بررسی اسناد و مدارک رسمی و نظریات و اندیشه‌های کارشناسان خارجی در مورد مشکل کنونی کشور ما از اهمیت منحصربفردی برخوردار می‌باشد. همچنان تجزیه و تحلیل چگونگی ستراتیژی کشورهای عضو پیمان ناتو، سازمان امنیت و همکاری اروپا و سازمان همکاری‌های شانگهای، گردآوری و مقایسه نتایج برنامه‌های کاربردی آنها با فرصت‌ها و چالش‌های بالقوه برای کشورهای آسیای میانه در صدر مسایل مورد بحث قرار دارد.

تجربه نشان داده است که پویایی منفی رویدادهای کشور ما، بگونه‌ای بر منافع ملی کشورهای قبیلن ذکر شده و در گُل، بر امنیت منطقوی آسیای میانه بگونه مستقیمی تأثیر می‌گذارد. در حالیکه متوقف نمودن تهدیدات وارد شده از جانب گروه

های معینی در افغانستان، ضرورت هماهنگی کامل و همه جانبه تلاش ها و عملکردهای بازیکنان یادشده را در دستور روز قرار می دهد. در این مورد، انجام دیالوگ و گفتگوهای سازنده میان افغانی بمنظور دستیابی به چنین مأمولی، بویژه در وضعیت کنونی از اهمیت شایان توجهی برخوردار می باشد. با نبود و عدم سازماندهی و پیشبرد مؤفانگه گفتگوهای سا زنده میان ایالات متحده، فدراتیف روسیه، ناتو، سازمان امنیت و همکاری اروپا و سازمان همکاریهای شانگهای، شاهد وسعت و گسترش تشنج در کشورهای پیامدهای ناگوار آن در منطقه خواهیم بود. مفاد کلی ستراتیژی ایالات متحده و ناتو در کشور ما، در همکاری های گسترده با کشورهای منطقه و بازیگران عمده و درشت منظوقی مانند چین و روسیه نهفته می باشد. بنابراین، تشخیص کلیه عوامل و فاکتورهای موجود، همکاری های نزدیک و مشخص حکومت ها و دولت های کشورهای ذینفع و علاقمند، امکانات گسترده و وسیع تأمین امنیت و استقرار وضعیت در کشور ما را میطلبد. در نبشته کنونی، بگونه کلی و بمفهوم وسیع کلمه، معضلات مربوط به رشد و انکشاف تئوری امنیت ملی افغانستان در شرایط جدید و نوین جیوپولیتیکی و اقتصادی مورد مطالعه و بحث قرار گرفته و با تجزیه و تحلیل تغییرات و تبدلات در نقطه نظرهای تئوریک راجع به مفهوم "امنیت ملی"، رویکرد جدیدی مطرح بحث قرار داده می شود. در اینجا از نقش و جایگاه برنامه ریزی های ستراتیژیک بمثابة عمده ترین و مهمترین ابزار تأمین امنیت ملی و بمنظور بهینه سازی این روند، توصیه هایی ارائه گردیده است. در مورد باید یادآور شد که ما با واقعیت های از قبیل امنیت ملی کشور، رشد و انکشاف اجتماعی - اقتصادی، برنامه ریزی های ستراتیژیک، اولویت های ستراتیژی ملی و چگونگی تعیین اهداف و ستراتیژی در مورد، مواجه می باشیم. وضعیت شکننده کنونی و دورنمای تعامل امریکایی ها در مورد کشور ما که در آستانه یک تحول جدید قرار دارد، چگونگی ونحوه تحرکات خارج از محدوده بازی، مسایل ارتقای مؤثریت مدیریت عمومی بویژه در عرصه فعالیت های اجتماعی - اقتصادی از اهمیت متبازری برخوردار می باشد. اما بازی های دیپلوماتیک و همزمان با آن، بر طبل جنگ نواختن، بمثابة پیوند دیوار و پیران شده محسوب می گردد.

با در نظر داشت جوانب مختلفه مورد بحث، قابل یادآوری پنداشته می شود که در نخست با توجه به ستراتیژی جدید ایالات متحده در مورد کشور ما، به مقایسه اداره قبلی کاخ سپید، اصلن از اعلام دقیق شمار نظامیان و چگونگی برنامه های جنگی امریکایی در افغانستان طفره رفته و در ثانی هم اینکه بمنظور آغاز و تداوم نبرد و بمباردمان مواضع طرف مقابل، منتظر تایید پنتاگون و شورای امنیت ملی آنکشور نمانده و با اجرای عملی برنامه های تدوین شده شان مبادرت میورزند. سوم هم اینکه مطابق اظهارات رئیس جمهوری ایالات متحده، قوت های مسلح آن کشور از همین اکنون بیعد باین منظور نمی رزمند تا کشورها و نظام های دیگر جهان را مطابق میل خویش بازسازی نمایند، بلکه هدف عمده، اصل وسعت بخشیدن همکاری های منظوقی ضد تروریستی با پاکستان و هند محسوب می گردد. بدیهی است که بخشی از مبارزه یادشده نه تنها و صرف با اهداف ایالات متحده در کشور ما ارتباط دارد، بلکه عوامل و فاکتورهای گونه گونه دیگری نیز در زمینه موجود می باشد. علاوه بر آن، ستراتیژی ایالات متحده در کشور ما بگونه کلی، کاپی سیاست و عملکرد نیاندر ا مودی نخست وزیر هند پنداشته می شود که مدتی قبل درواشنگتن اظهار نمود که مطابق ستراتیژی جدید ایالات متحده، کشورش، اقدامات و عملکردهایش در افغانستان و منطقه را وسعت بخشیده و به تعقیب تروریست ها در هر کجایی که موقعیت داشته باشند، مبادرت خواهد ورزید.

کارشناسان مسایل یادشده، تأکید بعمل می آورند که ایالات متحده در افغانستان بدنبال دستیابی با اهداف ژئوپولیتیک می باشد، در سال ۲۰۰۱ اهداف ایالات متحده، ظاهرن تعقیب و نابودی جنگجویان "طالب" و "القاعده" عنوان گردید. اما ادعای فوق صرفن بروی کاغذ باقی مانده و چنین مأمولی بدست نیآمد، بلکه در پس پرده نشخوار شعارهای یادشده، اهداف و مقاصد دیگری پنهان گردیده و مبارزه علیه تروریزم، فقط بهانه ای بیش نبود. هدف عمده و کلی آنها حضور در مهمترین منطقه جهان و اثرگذاری بر تمامی کشورهای منطقه محسوب می گردد. اما اهداف و اشنگتن بهمین جامحدود نگریده، بلکه قبل از همه و بیشتر از سایر موارد، هدف اداره و اشنگتن را اثرگذاری بر فدراتیف روسیه تشکیل می دهد که از مؤثریت لازم و گسترده ای در منطقه برخوردار می باشد. با اینکه در وضعیت کنونی، شرایط اندکی دستخوش دگر گونی هایی گردیده، اما با این حال، اهداف امریکایی ها بدون تغییر و بگونه یکسانی باقی مانده است. در چنین وضعیتی در کاخ سپید پس از بحث های وسیعی در مورد جلوگیری و کاهش هزینه های هنگفت جنگی و فراخواندن بخش هایی از قوت های نظامی آن کشور از افغانستان مطرح بحث قرار گرفته و طی سال ۲۰۱۴ بخش های نسبتن وسیعی از نظا میان آن کشور بخانه بازگشتند.

اهداف کنونی ایالات متحده در اراضی کشور ما، بگونه کلی و بمفهوم عام کلمه، حفظ وضعیت و حالتی می باشد که پس از انجام عملیات "آزادی پایدار" در کشور پدید آمد، اما بفهوم اخص کلمه، مسأله تقویت اردو و نیروهای امنیتی کشور ما

باید در دستور روز قرار می گرفت تا با استفاده از آن هم بر افغانستان و هم بر کشورهای منطقه، اثربخشی لازم ایالات متحده تأمین می گردید. همچنان پیشبینی می گردد که در میان مدت، موجودیت ایالات متحده و کمک و مساعدت به قوت های مسلح کشور یک ضرورت پنداشته می شود، چه در وضعیت کنونی، دولت افغانستان نه تنها با "طالب" ها، بلکه با گروه های متعدد و متناوب تروریستی که در صفوف آنها تعداد بیشماری از جنگجویان خارجی نیز موجود می باشند، دست و پنجه نرم می نماید. چنین ادعا می گردد که نظامیان افغانستان به تنهایی و بگونه مستقلانه قادر بانجام مبارزه با اینهمه گروه های متخاصم نبوده و به معاونت و پشتیبانی نظامیان خارجی اشد ضرورت احساس می گردد. علاوه بر آن، ایالات متحده در صدد تحت تأثیر قرار دادن قلمرو مربوط به نیروهای مسلح کشورما و شامل ساختن آن در ساختار خودی امریکایی بمنظور تقویت بیش از پیش حضور نظامی هم در کشورما، هم در مقیاس منطقوی و هم در مقیاس جهانی می باشد.

مطابق اظهارات بسیاری از سیاسیون امریکایی، تصمیم دونالد ترامپ در مورد تقویت روزافزون نظامیان آن کشور در افغانستان، بحوی ناشی از مبارزه با پکن در عرصه بهره برداری از منابع کشورما می باشد. در اوضاع و احوال کنونی، ناتو در عملیات نظامی در کشورما بگونه مستقیمی سهم نداشته، بلکه نظامیان ناتو مشغول رهنمایی و آموزش قوت های مسلح کشورما می باشند. اما اگر آموزش و رهنمایی بگونه کنونی تداوم یابد، دستیابی به مؤفقت در امر مبارزه ضد "طالب" محال بنظر می رسد.

اظهار نظرهایی در مورد پویایی منفی انکشاف و قیام در کشورما حاکی از این امر می باشد که در وضعیت کنونی ۶۰ - ۷۰ درصد از اراضی کشور، تحت تسلط "طالب" ها، "دولت اسلامی" و سایر گروه بندی ها قرار داشته که بشکلی از اشکال مصروف درگیری های مسلحانه با قوت های نظامی دولت می باشند. انتقال شبه نظامیان به مناطق شمال کشور و در مجاورت کشورهای تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان را می توان بمثابه شهکارهای (!) ناتو در کشورما بحساب آورد. مشاوره های جانب روسیه و ناتو در مورد وضعیت در کشورما چندان پایدار از آب در نیامده و چنین مفکوره ای خلق گردید که اعضای ناتو فی نفسه و بمفهوم وسیع کلمه، مخالف چنین همکاری بودند. آنها قیاس نمودند که تداوم چنین همکاری هایی، دورنمای وظایف و اهداف مورد نظر آنها را در منطقه تحت شعاع قرار داده و منافع آنها را تهدید خواهد نمود. تصور می گردد که چنین بررسی کاملن درست بود، چنانچه در جلسات متعدد ناتو، مسأله همکاری های دوجانبه بویژه در عرصه مبارزه با مواد مخدر مطرح بحث قرار داده شده و اما به نتیجه دلخواهی منتج نگردید. چه با عدم انجام مبارزه و مقابله مؤثر با قاچاق مواد مخدر، کشورهای آسیای میانه و حتا پاکستان نیز از این مدرک آسیب های جبران ناپذیری را متحمل خواهند گردید. امتناع از همکاری در زمینه مبارزه با مواد مخدر بمفهوم تیراندازی و شلیک کردن برپای خویش محسوب می گردد. تمامی کشورهای عضو ناتو از ناحیه تهدیدهای مواد مخدر قاچاق شده از مناطق مختلف به کشورهای شان متحمل خسارات فراوانی می گردند. در وضعیت کنونی، متأسفانه از موجودیت بیشترین اراضی کشت مواد مخدر در کشورما خبر می دهند.

علاوه بر آن، مطابق اظهارات و تخمین های کارشناسان، جغرافیای فعالیت های جنگجویان در کشورما روز تا روز وسعت می یابد. مناطق و محلات هم مرز با ایران و ترکمنستان، بویژه در آن نواحی و بخش های ولایت هرات که قبل بر این، آرام و بدون زد و خورد های مسلحانه محسوب می گردید، بویژه در ایام پسین به محل درگیری های خونین مبدل گردیده و ناتو به سختی اقدامات تدافعی را سازماندهی نموده و برنامه های مبارزه و مقابله با جنگجویان را آماده نمود.

تداوم تشنج در هرات و همچنان ایجاد ناآرامی هایی در مناطق شمال غربی کشور که بگونه ای بدلیل امتداد لوله انتقال گاز تاپی که در برگیرنده کشورهای ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند می باشد، عرض وجود نمود، اجرای عملی آن بدلیل عوامل ذکر شده، معطل قرار داده شده است. نظارت بر دهلیز انتقالی لوله گاز یاد شده در اراضی کشورما از اهمیت فوق العاده مهمی برخوردار می باشد. بنابراین، گام بگام، کشور عزیزما افغانستان بگونه تدریجی و مرحله وار به بزرگترین پایگاه نظامی ایالات متحده - ناتو بمنظور دستیابی باهدف اثرگذاری بر انکشاف اوضاع در منطقه مبدل می گردد. گفته می شود که ایالات متحده علاقمند استقرار نظامیان آن کشور در افغانستان برای مدت زمان نامحدودی می باشد. اما آنها، این را خوب می دانند و از این واقعیت کاملن آگاهی دارند که بگونه همه جا نبه ای بر "طالب" ها فایق نخواهند آمد و بدین ترتیب، بگونه ای بحل و فصل سیاسی عادلانه مسایل سیاسی کشورما نیز تن نخواهند داد. آنها در صدد آنند تا از افغانستان بمنظور متوقف نمودن چین و تداوم مخالفت و ضد و نقیض گویی با روسیه استفاده بعمل آورند. چه، در ستراتیژی امنیتی ایالات متحده، روسیه و چین، بمثابه رقبای ستراتیژیک آن کشور

محسوب می گردند. در بخشی از اظهارات مقامات اداره واشنگتن آمده است که چین و روسیه، منافع ایالات متحده را به چالش کشیده و امنیت آن کشور را با تهدید مواجه می سازند. بدین ترتیب، ستراتیژی های "بزرگ" و "کوچک" ایالات متحده - ناتو در کشور ما، قبل از همه و بیش از سایر موارد، اهداف ژئوپولیتیکی را در خود نهان داشته و متضمن حضور و اثربخشی دوامدار در کشور ما و در منطقه ما می باشند که تقابل و رویارویی با روسیه و چین در صدها هدف و وظایف آنها قرار دارد.

در مورد معضل کشور ما بمتابه چالشی برای کشورهای عضو پیمان همکاریهای شانگهای نباید این واقعیت را از نظر دور داشت که کشورهای عضو پیمان شانگهای، همجوار با کشور ما بوده و بمتابه بازیگران عمده ای در منطقه آسیای مرکزی بحساب می آیند. فعال گردیدن، جنب و جوش و تجمع تروریست ها در منطقه یاد شده، تهدیدهای مستقیم امنیتی را برای کشورهای یاد شده ببار می آورد. خطرا ایجاد مناسبات "دولت اسلامی" و "جنبش اسلامی ازبکستان" و سازمان ها و هسته های زیرزمینی اسلامی کشورهای منطقه و بدینگونه، در کشور تاجیکستان همکاری و معاونت با هسته ها و مراکز غیرقانونی و ممنوع در کشور از قبیل "حزب احیای اسلامی تاجیکستان"، باندهای قاچاق اسلحه، ایجاد و برپایی کمپ های بمنظور تربیه و آموزش جنگجویان و گروه های آدمکش و... ممکن ازبکستان، کشور دیگر عضو پیمان همکاری های شانگهای نیز مورد علاقه تروریست ها قرار گیرد. بنیادگرها از این طریق در صدد آنند تا کشور یاد شده را از طریق تاجیکستان و قرغیزستان مورد نظارت خویش قرار داده و با هسته ها و مراکز "حزب التحریر" و "جهاد" ارتباط برقرار نمایند.

نیروهای امنیتی کشورهای عضو پیمان همکاری های شانگهای با کمک و معاونت روسیه، علیه هرگونه فعالیت و اقدام تروریستی در منطقه آماده بوده و اما تداوم تشنج و بدتر شدن اوضاع امنیتی کشور، وضعیت در کشورهای آسیای میانه نیز با معضلات و مشکلاتی مواجه خواهد گردید. بدین ترتیب، بخشی از مناطق صفحات شمال کشور ما که تحت نظارت جنگجویان قرار دارد، زمینه های مساعدی را برای دوستان خارجی خویش مهیا خواهند نمود. و اما در مورد صفحات شرقی کشور باید یادآور شد که موجودیت خط نام نهاد "دیورند"، این امکان را به نظامیان پاکستانی بوجود آورد تا برای افراطیون و بنیادگرها این زمینه فراهم را نمایند تا به سادگی از آنطرف خط تحمیلی وارد کشور ما شده و پس از انجام خرابکاری و انفجار و انتهار، با آرامی و بدون مزاحمت مرزبان های پاکستانی، به مخفی گاهای شان در قلمرو مربوط به پاکستان بازگردند. بنابراین، در چنین وضعیتی، در صدد تحکیم مواضع کشورهای عضو پیمان شانگهای ی باید همت گماشت، چه پیمان یاد شده از امکانات وسیع اثربخشی و تأثیرگذاری در منطقه برخوردار می باشد. ایجاد و تشکیل گروه های کاری میان افغانستان و کشورهای عضو پیمان یاد شده در سطح وزرای خارجه، از جمله انکشافات دلگرم کننده ای در عرصه مبارزه با تهدیدهای امنیتی در منطقه و ارائه مساعدت به کشور ما بمنظور اعاده صلح و سلم و تأمین امنیت پایدار محسوب می گردد. قبل از همه در این مورد از تشریح مساعی روسیه و چین بدلیل موجودیت منافع و مصالح آنها در کشور ما، باید تأکید بعمل آورد. چه، جنگجویان از طریق اراضی متعلق به کشور ما در صدد ایجاد نا آرامی و برهم زدن امنیت در کشورهای یاد شده می باشند. چنانچه گفته آمد، بیشترین بخش های جنگجویان افراطی و بنیادگر، پس از تحمل شکستهای پی اندر پی در عراق و سوریه، وارد کشور ما شده و تهدیدهای گسترده ای را متوجه کشورهای همجوار افغانستان خواهند نمود. مطابق گزارش های بنشر رسیده، همین اکنون هزاران تن از جنگجویان "دولت اسلامی" در مناطق شمال کشور جابجا گردیده و گوش بزننگ آغاز عملیات های بعدی می باشند.

دومین نگرانی گروه های تماس، موجودیت ذخایر گسترده مواد مخدر در افغانستان میباشد که دولت افغانستان و متحدین غربی آن موفق بانجام مبارزه ثمر بخش در زمینه نگریدند. همچنان کشور چین از منافع وسیع و کلانی در کشور ما برخوردار می باشد.

اما در مورد لوله انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان و هند و عبور آن از اراضی متعلق به کشور ما، باید یادآور شد که در وضعیت کنونی به دلیل موجودیت اوضاع نهایت متشنج و انفجاری کشور، ساخت و ساز آن محتمل بنظر نمی رسد. سومین مسأله قابل ذکر در مورد از جمله یکی هم نشست مسکو در مورد ارائه کمک و مساعدت به افغانستان بمنظور دستیابی به مصالحه در کشور ما می باشد.

مسأله یاد شده، بصورت همیشگی و متواتر، بویژه در نشست یاد شده و در اسناد مصوبه پیمان همکاری های شانگهای و تأکید بر اینکه سازمان یاد شده بگونه دوامداری بمنظور مؤفقیت پروسه آغاز شده صلح و مصالحه در کشور، معاونت های لازمی و ضروری را بجانب افغانستان ارائه نموده و بویژه در اعلامیه "آستانه" این سازمان بر این واقعیت تأکید بعمل آمده که پیمان همکاری های شانگهای خواهان مبرابودن سرزمین و اراضی افغانستان از جنگجویان تروریست

بوده و آرزومند افغانستان شگرفا و مترقی می باشد.

مسأله قابل بحث دیگر، از جمله یکی هم موضوع مساعدت بمنظور دستیابی به مصالحه ملی در کشور ما می باشد. نبا فراموش نمود که اتخاذ موضع و موقف واحد و یگانه گروه تماس در مورد ستراتیژی جدید ایالات متحده در مورد کشور ما نیز حایز اهمیت پنداشته می شود.

واکنش کشورهای منطقه در مورد ستراتیژی یادشده، بحث برانگیز می باشد. پاکستان به طرح یادشده که متضمن انزوای اسلام آباد می باشد، چندان مشتاق بنظر نمی رسد. چنین برنامه ای شامل اعمار و ساخت و ساز طرح های مهمی در منطقه آنهم باشتراک پاکستان می باشد. این طرح برای چین اصلن سودآور پنداشته نمی شود. اما یادآور باید شد که سهمگیری ایالات متحده در فعالیت های مربوط به گروه تماس، به یقین که خیلی سودمند خواهد بود.

بخاطر داریم که قبل براین، گروه تماس در چوکات "۶+۱" اعضای دائمی سازمان همکاری های شانگهای و نماینده های سفارت افغانستان در چین و در حال حاضر "۸+۱" (در نتیجه پیوستن هند و پاکستان به سازمان یادشده) آنهم باشتر اک معاونان وزارت امور خارجه کشورهای یادشده، سال یک مراتبه تشکیل جلسه می دهند.

در مورد نگرانی های چین از جانب کشور ما باید متذکر گردید که پکن بنوبه خویش، بمثابه یکی از جمله بازیکنان عمده و درشت در آسیای مرکزی محسوب می گردد که بیش از همه در صدد توسعه و وسعت تأثیرگذاری و مؤثریتش در کشور ما بوده و از اسلام آباد نیز حمایت و پشتیبانی بعمل می آورد. بدینمنظور، چین برای خودش چوکات معینی شامل پکن، واشنگتن، کابل و اسلام آباد و همچنان دارای چوکات "قرارداد اورومچی"، طرحی با شرکت چین - افغانستان - پاکستان - تاجیکستان و همچنان گردهمایی سه جانبه چین - افغانستان - پاکستان را دارد.

همچنان قابل یادمانی می باشد که منافع کشورهای چین و روسیه، بگونه گلی مکمل همدیگر پنداشته می شوند. در این حال، تشدید تأثیر و اثرگذاری پکن بر اسلام آباد از طریق طرح "دهلیز اقتصادی چین - پاکستان" با واکنش بیمارگونه و اشنگتن مواجه گردید.

بنابراین، در ستراتیژی جدید امنیت ملی ایالات متحده، بگونه مستقیمی از وارد نمودن فشار لازم بر پاکستان یادآوری بعمل آمده و جمهوری مردم چین بمثابه رقیب ایالات متحده پنداشته شده است.

تشدید فعالیت های اقتصادی چین در کشور ما باین مفهوم نیست که کشور یادشده در صدد دیکته نمودن چگونگی ها در مجموعه سیاستگذاری های ما نمی باشد.

اگر در شرایط کنونی، "طالب" ها مایه نگرانی های دولت افغانستان محسوب می گردند، برای چین نیز دلایل مختلفی برای نگرانی وجود دارد.

در مناطقی از ولایت بدخشان کشور، جنگجویان "دولت اسلامی" عملن موجود می باشند. آنها جنگجویانی محسوب می گردند که در عراق و سوریه جنگیده اند. آنها بیش از این در بدخشان کشور ما که هم مرز با ایالت سینکیانگ چین می باشد، موجود بوده و روحیات جدایی طلبی در میان آنها بقوت خویش باقی می باشد، چنین روحیه ای بیش از پیش وسعت یافته که با ورود جنگجویان به دره و اخان، مزاحمت هایی برای چین ایجاد خواهد گردید.

یکشنبه ۲۱ ماه ثور سال ۱۳۹۹ خورشیدی